

مینوسی ها

دان ناردو

مینوسی‌ها؛ ترجمه نادر میرسعیدی

ISBN 978-964-311-778-8

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
عنوان اصلی:

۱۳۸

کتابخانه ملی ایران

تمدن‌های گمشده - ۳

مینیوسی‌ها

دان ناردو

ترجمه نادر میرسعیدی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Minoans

Don Nardo

Lucent Books, 2005



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

* * *

دان ناردو

مینوسی‌ها

ترجمه نادر میرسعیدی

چاپ دوم

۵۰۰ نسخه

۱۴۰۳

چاپ رسام

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۱-۷۷۸-۸

ISBN: 978-964-311-778-8

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

فهرست

پیشگفتار: محدودیت‌های منابع	۷
۱. آرتور اونز و کشف تمدن مینوسی	۱۵
۲. کشاورزی، امور مالی، و تجارت در کرت مینوسی	۳۱
۳. زندگی سیاسی و اجتماعی در شهرهای مینوسی	۴۷
۴. نقاشی، معماری، صنایع و خط مینوسی	۶۳
۵. اماکن مذهبی، خدایان، و مراسم مذهبی مینوسی	۷۹
۶. مینوسی‌ها در جنگ و غلبه میسنه	۹۵
۷. تمدن مینوسی به سبب فوران آتشفشان ناتوان می‌شود	۱۰۹
مؤخره: پایان تمدن مینوسی - میسنه‌ای	۱۲۳
یادداشت‌ها	۱۲۷
گاهشمار	۱۳۱
برای مطالعه بیشتر تر	۱۳۵
آثار مورد استفاده قرار گرفته	۱۳۷
نمایه	۱۴۱

محدودیت‌های منابع

تا اواخر سده نوزدهم میلادی، هیچ‌کس از وجود دو تمدن غنی که طی عصر مفرغ در یونان و جزایر ساحلی آن شکوفا شده بودند، اطلاع نداشت. آن دوره، که طی آن مردم ابزارها و سلاح‌های ساخته شده از مفرغ (ترکیبی از مس و قلع) را به کار می‌بردند، از حدود ۳۰۰۰ تا ۱۱۰۰ ق.م به طول انجامیده بود، یعنی بسی پیش از تمدن شناخته شده‌تر یونان سده‌های پنجم و چهارم ق.م، که شخصیت‌های ماندگاری چون پریکلِس،^۱ سوفوکلس،^۲ ارسطو، افلاطون و اسکندر کبیر را پدید آورد.

یکی از این تمدن‌های یونانی اولیه در ۱۸۷۴ م شروع به پدیدار شدن کرد. در آن هنگام هاینریش شلیمان^۳ بازرگان و باستان‌شناس غیرحرفه‌ای آلمانی حفاری‌ها را در میسنه^۴ واقع در رأس تپه‌ای صخره‌ای در شمال شرق شبه‌جزیره پلوپونز (جنوب یونان) آغاز کرد. شلیمان یک کاخ - ارگ باستانی ساخته شده از قطعه‌سنگ‌های عظیم را یافت. چنین ارگ‌هایی به زودی در جنوب یونان آشکار شدند؛ و دانشمندان سازندگان آن‌ها را از روی نام میسنه «میسنه‌ای» خواندند. بعدها برای دانشمندان آشکار شد که میسنه‌ای‌ها به شکل اولیه‌ای از زبان یونانی تکلم می‌کردند.

دیگر تمدن عصر مفرغ در یونان در جزیره کرت^۵ واقع در حدود صد مایلی جنوب شرق پلوپونز متمرکز بود. در ۱۹۰۰ م حفاری‌ها در کنوسس^۶ (یا کنوسوس^۷)، نزدیک ساحل شمال غربی جزیره کاخی وسیع را مربوط به دوره میسنه آشکار کردند. در ابتدا، سرپرست حفاری، دانشمند و حفار انگلیسی سر آرتور اونز،^۸ تصور کرد که بقایای میسنه‌ای بیش‌تری را یافته است. ولی به زودی آشکار شد که کرت دژ قومی متفاوت بوده است. اونز از روی نام

1. Pericles

4. Mycenae

7. Knossus

2. Sophocles

5. Crete

8. Sir Arthur Evans

3. Heinrich Schliemann

6. Knossos

مینوس،^۱ یک شاه کرتی ذکر شده به‌نحوی برجسته در اساطیر یونانی باستان، آنان را «مینوسی» خواند. از زمان اونز به بعد، چند کاخ و ساختمان و مصنوعات مینوسی دیگر کشف شده است. این کشفیات یک قوم ثروتمند و از لحاظ هنری نیرومند را آشکار کرده‌اند که با دولت‌های همسایه تا مصر در دوردست تجارت می‌کردند و به مدت چند سده نفوذ فرهنگی، و شاید برای مدتی سیاسی مقتدرانه‌ای را بر میسنه‌ای‌ها اعمال می‌نمودند.

قومی بدون تاریخ

متأسفانه، با وجود بیش از یک سده حفاری‌های مستمر در سراسر کرت و جزایر نزدیک آن، اطلاع از مینوسی‌ها بسیار محدود مانده است. غیر از مثنی اسامی ذکر شده در اساطیر، که ممکن است ساختگی باشند، رهبران سیاسی یا اشخاص مینوسی مهم دیگری شناخته نشده‌اند. به همین ترتیب، دانشمندان عملاً هیچ‌چیز دربارهٔ تاریخ مینوسی‌ها نمی‌دانند. این امر فقط به این دلیل نیست که مینوسی‌ها در زمانی بسیار قدیم زندگی می‌کردند. روی هم رفته، از نام‌ها، و نیز بسیاری از جزئیات فتوحات و سایر اعمال شماری از رهبران مصری و بین‌النهرینی که مدتی طولانی پیش از آن‌که کاخ کنوسوس ساخته شود زندگی می‌کردند، اطلاع داریم.

مشکل اصلی باستان‌شناسان و دانشمندانی که در مورد مینوسی‌ها مطالعه می‌کنند این است که، برخلاف مصریان و بین‌النهرینیان، مینوسی‌ها هیچ ادبیات مکتوبی از خود باقی نگذاشته‌اند. مینوسی‌ها صاحب شکلی از خط بودند. اما خط آن‌ها ابتدایی بود و فقط برای ثبت فهرست‌های طویل و کسل‌کنندهٔ محصولات زراعی، چارپایان، و سایر کالاهای عمدهٔ گردآوری و انبار شده در مراکز کاخی به کار می‌رفت. نتیجه، چنان‌که میتلند^۲ ادی پژوهشگر خاطرنشان کرده، این است که

مینوسی‌ها تنها قوم باسواد و بسیار بافرهنگ در جهانند که هیچ‌گونه درکی از تاریخ نداشته‌اند. نام‌ها و تاریخ‌ها در نظر آنان چنان مفهوم اندکی داشته است که مینوسی‌ها هیچ ثبت مکتوب واحدی که شامل این دو مورد باشد باقی نگذاشته‌اند... مینوسی‌ها هرچند ممکن است در برخی جنبه‌ها فعال بوده‌اند... نهایتاً به صورت دو بعدی پدیدار شده‌اند: باذوق، باوقار، شوخ، اما

1. Minos

2. Maitland A. Edey

پیشگفتار: محدودیت‌های منابع ۹

معمایی [اسرارآمیز]. اگر نام واحدی وجود داشت... شخصیتی از گوشت و خون، به شوق آمده به واسطه شهوات و فتوحات، و آرام شده به واسطه شکست‌ها، که می‌توانست در دو هزار سال تاریخ مینوسی، یعنی آن تاریخ بی‌فرد، فشرده شود، احساس فقدان افراد ممکن بود بر طرف شود. ولی هیچ‌کس وجود ندارد. مینوسی‌ها، از زمانی که بر صحنه جهان پدیدار شدند، تازمانی که این صحنه را ترک کردند، بی‌نام باقی ماندند.^(۱)

این به آن معنی است که دانشمندان باید عمدتاً به مدارک باستان‌شناختی - ساختمان‌های مخروبه، سفالینه‌ها، مجسمه‌ها، نقاشی‌ها، و سایر مصنوعات - متکی باشند تا تصویری از جامعه مینوسی را سرهم‌بندی کنند. خوشبختانه چنین مدارکی به وفور یافت شده است، و هر ساله مدارک دیگری آشکار می‌شوند. این مدارک عبارتند از - علاوه بر کاخ‌ها - خانه‌های روستایی، خانه‌های شهری، و معابد؛ فنجان‌ها، کاسه‌ها، و کوزه‌های دهن‌گشاد مخصوص انبارکردن؛ جواهرات، وان‌ها، مبال‌ها، لوازم مهتری، و سایر مصنوعات شخصی؛ و مجسمه‌های کوچک و نقاشی‌های نشان‌دهنده قوم مینوسی، حیوانات آن‌ها، کشتی‌های آن‌ها، و مناظری که آنان در آن‌ها ساکن بودند.



بسیاری از دانسته‌ها درباره دنیای مینوسی‌ها، از نقاشی‌های دیواری باقی‌مانده آن‌ها به دست آمده است. این نقاشی دیواری کبک‌ها، پرندگان معمول در کرت باستان را نشان می‌دهد.

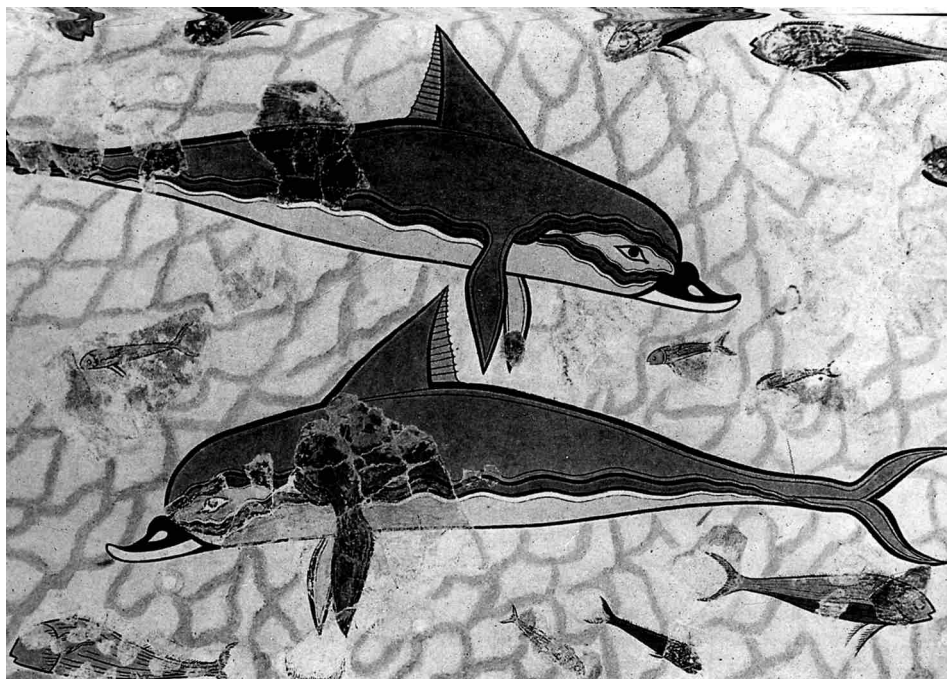
آیا نظریات سنتی درباره مینوسی‌ها واقع‌گرایانه‌اند؟

ظاهراً این‌طور به نظر می‌رسد که این مصنوعات جنبه‌های مهمی از خصوصیت مینوسی‌ها را آشکار می‌سازند. این امر به‌خصوص در مورد نقاشی‌ها صادق است که مردمی را که ظاهراً شاد و بی‌نگرانی بودند، مرتبط با عشق و طبیعت و در وهله نخست علاقه‌مند به حرفه‌های مسالمت‌آمیز و سودمند نشان می‌دهند. این مسلماً تصویر سنتی مینوسی‌هاست که طی بخش عمده سده بیستم میلادی توسط اونز و دانشمندان دیگر ترسیم شد. رادنی کسلدن،^۱ دانشمندی مشهور در بررسی مینوسی‌ها، آن تصویر را (بدون لزوماً پذیرش اعتبار آن) چنین خلاصه کرده است:

مینوسی‌ها با استعداد، زیرک، عاشق تجمل، دنیادوست، و مطلع بودند. آن‌ها حساس، باذوق، و باوقار بودند. آن‌ها تزیین ظریف و مجلل، اشیاء هنری زیبا، و جواهرات رادوست داشتند. آن‌ها صلح و حکومت قانون رادوست داشتند، و از خودکامگی و جنگ بیزار بودند. آن‌ها جاه‌طلبی شخصی نداشتند... فهرست‌های لافزنانه از دستاوردها یا فتوحات بزرگ وجود نداشت... بالاتر از همه، مینوسی‌ها به عنوان عاشقان طبیعت مشاهده شده‌اند. آن‌ها نسبت به همه جنبه‌های گوناگون جهان طبیعی: گیاهان، گل‌ها، و حیوانات، پرندگان، ماهیان، و منظره، دریا، صدف‌ها، صخره‌ها، و جلبک دریایی، واکنش نشان می‌دادند. شاهدخت‌ها و بانوان بزرگ درباره‌های مینوسی... در میان گل‌ها، پرندگان، و پروانه‌ها در باغ‌های سلطنتی خود گردش می‌کردند. مینوسی‌ها تحسین‌کنندگان بزرگ بدن انسان بودند... آن‌ها دوست داشتند که دست‌ها و پاهای بلند، باریک، زیبا اما عضلانی را... هم در مردان و هم در زنان ببینند... زنان مینوسی زیبا، خوش‌اندام، متوازن، خوش‌اطوار و دارای جاذبه جنسی بودند.^(۲)

ولی این تصویر خوشایند و آرام از مینوسی‌ها تا چه حد دقیق است؟ آیا این واقع‌گرایانه است که تصور کنیم همه، یا حتی بیش‌تر مینوسی‌ها همانند افراد نشان داده شده در نقاشی‌ها، مجسمه‌ها، و هنرهای دیگر آن‌ها بوده‌اند؟ در دهه‌های آخر سده بیستم میلادی شمار فزاینده‌ای از دانشمندان این احساس را پیدا کردند که این توصیف مینوسی‌ها نباید چندان جدی گرفته شود. بار دیگر، مشکل، محدودیت‌های منابع باقی‌مانده است. حقیقت این است که ساخته‌های هنری هر قوم یا جامعه بیش‌تر مقید به جنبه‌های انتخابی، نمایشی و ذهنی‌اند تا جنبه‌های کاملاً واقع‌گرایانه.

1. Rodney Castleden



نقاشی دیواری دلفین‌ها، یافت شده در کنوسوس (در شمال کرت)، مربوط به تاریخ حدود ۱۶۰۰ ق.م. مینوسی‌ها موضوعات دریایی را به کرات در هنرشان ترسیم کرده‌اند.

برای مثال، در ۱۹۸۳ م دانشمند لوسیا نیکسون^۱ اظهار عقیده کرد که موضوعات مکرر طبیعت در هنر مینوسی ممکن است گمراه‌کننده باشند. او به کاربرد گسترده گل‌ها، پیچک‌ها و مردم‌گردش‌کننده در چمنزارها بر روی چینی‌ها و کاغذ دیواری‌ها، و نیز در نقاشی‌ها، در هنر انگلیس در اواخر سده نوزدهم میلادی اشاره کرد. تصور کنید که باستان‌شناسان در سه هزار سال بعد لندن را مورد حفاری قرار دهند. اگر آن‌ها فقط این آفریده‌های هنری نشان‌دهنده گل‌ها را بیابند، ممکن است نتیجه‌گیری کنند که انگلیسی‌های سده نوزدهم میلادی تشکیل می‌شدند از عاشقان طبیعت که از نابود کردن گسترده محیط که طی آن سال‌ها به واسطه انقلاب صنعتی در انگلستان واقعاً صورت گرفت، ناتوان بودند. به همین ترتیب، در نظر بگیرید که همان باستان‌شناسان آینده شهرهای آمریکا در دوره دهه ۱۹۳۰ م را مورد حفاری قرار دهند. آمریکایی‌ها در آن ایام وسیعاً سرگرم رفتن به

1. Lucia Nixon

سینماها (با به جا گذاشتن حد نصاب‌هایی در حضور که هنوز باید شکسته شوند) و انجام بازی‌هایی چون بینگو^۱ و مونوپولی^۲ (با مسابقات عظیم که هر ساله در سراسر کشور برگزار می‌شد) بودند. اگر این‌ها تنها مدارک فرهنگی‌ای باشند که حفاران آینده می‌یابند، آنان ممکن است آمریکاییان آن دهه را لذت‌طلبانی در عصری بی‌نگرانی تصویر کنند. واقعیت، البته، آن است که افسردگی گسترده‌ای در سراسر جهان وجود داشت، و بسیاری افراد برای دور کردن ذهن خود از فقر و پریشانی‌های دیگر به دنبال فیلم‌ها و بازی‌ها می‌رفتند.

نخستین فرهنگ پیشرفته اروپا

بنابراین، باستان‌شناسان و سایر دانشمندان در تفسیر مدارک هنری یافت شده در کنوسوس و دیگر شهرهای مینوسی باید بسیار دقت کنند. امکان‌پذیر، و در حقیقت بسیار باورکردنی است که مینوسی‌ها نیز از بسیاری از همان بیماری‌ها و مشکلات اجتماعی و فردی سایر اقوام باستانی و جدید رنج می‌بردند؛ و پذیرفتنی است که آن‌ها ترجیح می‌دادند جنبه‌های رنج‌آور جهان خود را کم‌تر در هنرشان نمایش دهند. در حقیقت مدارک اخیر، که با تفسیرهایی از مدارک قدیمی‌تر تکمیل شده‌اند، ثابت می‌کنند که آن‌ها برای پیشبرد اهداف سیاسی و سایر اهداف خود نیروی نظامی به کار می‌بردند، و این ممکن است از آنچه هنر آرام و جذاب آن‌ها نشان می‌دهد، جاه‌طلبانه‌تر و خودخواهانه‌تر باشد.

اما در این‌که مینوسی‌ها مردمی نیرومند و پرشور بودند و طول عمرشان به اندازه فعال‌ترین اقوام امروزی بود، کم‌تر کسی تردید دارد. از این مهم‌تر، جامعه مینوسی نخستین فرهنگ پیشرفته در اروپا بود. در زمانی که بیشتر بخش‌های قاره در شرایط عصر سنگ رو به ضعف می‌رفتند، اهالی کنوسوس و دیگر نقاط کرت کاخ‌هایی با صدها اتاق، نقاشی‌های دیواری باشکوه، شیوه‌ای از خط (هرچند با کاربرد محدود)، و شیوه‌های لوله‌کشی هم‌تراز با بهترین شیوه‌های مورد کاربرد در انگلستان و آمریکای سده نوزدهم میلادی داشتند. در سرآغاز سده بیست‌ویکم میلادی، مورخان و سایر دانشمندان امیدوارند که حفاری‌های باستان‌شناختی در جریان، منابع جدیدی از اطلاعات را درباره این قوم اسرارآمیز و جذاب که تمدنشان مبنایی عمده برای اساطیر یونانیان بعدی در سده‌های پنجم و چهارم ق.م بود، آشکار کنند. به گفته کسلدن:

1. bingo

2. Monopoly

پیشگفتار: محدودیت‌های منابع ۱۳

در دانش ما دربارهٔ مینوسی‌ها شکاف‌های بزرگی وجود دارد، و باید آماده باشیم تا در روشنایی کشف‌های باستان‌شناختی جدید، دیدگاهمان دربارهٔ آن‌ها را تعدیل کنیم. باستان‌شناسی مینوسی هنوز فوق‌العاده جوان است و می‌توانیم مطمئن باشیم که چیزهای جدید و غیرمنتظرهٔ زیادی باقی مانده‌اند تا دربارهٔ این تمدن برجسته دانسته شوند. ناامیدکننده‌ترین جنبهٔ این تمدن فقدان منابع مکتوب است.... بگذارید امیدوار باشیم که در جایی در کرت، شاید مدفون در میان شالوده‌های قلوه‌سنگی معبدی هنوز کشف نشده و غارت نشده، نهانگاهی از اشعار [یا] تاریخ مینویی وجود داشته باشد.^(۳)

آرتور اوز و کشف تمدن مینوسی

پیش از آن‌که مورخان و سایر دانشمندان جدید از وجود مینوسی‌های رازآلود اطلاع پیدا کنند، بیش‌تر آگاهی‌ها دربارهٔ کرت عصر مفرغ موضوعات افسانه‌ای بود. در اسطوره‌ها از جامعهٔ پرجمعیت ثروتمندی سخن گفته می‌شد که تحت فرمانروایی شاهانی بودند که اهالی سرزمین اصلی یونان را تهدید می‌کردند تا این‌که تزئوس^۱ قهرمان آتنی به کرت سفر کرد و جزیره‌نشینان را شکست داد. به یاد آوردن این نکته اهمیت دارد که اطلاع یونانیان سده‌های پنجم و چهارم ق.م (که معبد باشکوه پارتنون^۲ را ساختند و بر شاهنشاهی هخامنشی غلبه یافتند) از کرت پیش از تاریخ، به همین ترتیب محدود به همین اسطوره‌ها بود. آن‌ها بخشی از مجموعهٔ بزرگی از اساطیر و افسانه‌هایی بودند که در آن‌ها اعمال و ماجراهای خدایان، شاهان، و قهرمانانی نقل می‌شد که مدتی طولانی پیش از یونانیان سده‌های پنجم و چهارم ق.م در دوره‌ای که آن‌ها عصر پهلوانی می‌خواندند، زندگی می‌کردند.

دانشمندان جدید در حال حاضر می‌دانند که به اصطلاح عصر پهلوانی حقیقتاً عصر مفرغ یونان بوده است. آن‌ها همچنین می‌دانند که دو قوم از لحاظ فرهنگی پیشرفته - میسنه‌ای‌ها و مینوسی‌ها - بر آن عصر سلطه داشتند و هنگامی که تمدن آن‌ها زوال یافت، یونان وارد عصر تاریکی شد که چند سده به طول انجامید. طی آن سال‌ها، مردم سراسر جهان یونانی به حالتی از بی‌سوادی و فقر فوق‌العاده افتادند و میراث خود را وسیعاً فراموش کردند. سرانجام، همهٔ آنچه از یونانیان عصر مفرغ به یاد می‌آمد عبارت بود از داستان‌هایی به ارث مانده به واسطهٔ کلام شفاهی طی نسل‌های بسیار؛ این داستان‌ها با هر بار نقل طبیعتاً اغراق‌آمیزتر و پرشاخ و برگ‌تر شدند.

به این طریق، چند داستان جاذب از شاهان، قهرمانان، و هیولاها در کرت باستان به

1. Theseus

2. Parthenon

ادبیات گردآوری شده فرهنگ غربی (با مبنای اروپایی) راه یافتند. و این داستان‌ها بخشی از چیزی بودند که برخی حفاران سده نوزدهم میلادی، از جمله آرتور اونز بزرگ، را به حفاری در کرت برانگیخت. یکی از معاصران اونز، یعنی هاینریش شلیمان آلمانی، به همان ترتیب از داستان‌های جنگ معروف تروا الهام گرفته بود و به این باور رسیده بود که شهر افسانه‌ای تروا مکانی واقعی بوده است. در ۱۸۷۰ م شلیمان هنگامی که خرابه‌های تروا در شمال غرب ترکیه (در ادوار باستان موسوم به آسیای صغیر) را آشکار ساخت، جهان علم را تکان داد. به زودی پس از آن او ارگ عظیم واقع در میسنه (در خاک اصلی یونان)، شهر دیگر ذکر شده به نحوی بااهمیت در فرهنگ عامه عصر پهلوانی، را آشکار ساخت. دانشمندان و باستان‌شناسان، که پیش از دستاوردهای شلیمان مسلم می‌دانستند که اساطیر یونانی در حقیقت بی‌اساس بوده‌اند، در این زمان شروع کردند به تلاش برای انجام سفرهای جدید به منظور یافتن شهرها و مکان‌های افسانه‌ای.

در این موج اشتیاق بود که اونز در ۱۹۰۰ م عازم کشف تاریخی مرکز کاخی واقع در کنوسوس گردید. ساختمان‌ها و مصنوعات که او یافت، در کنار ساختمان‌ها و مصنوعات بعداً از خاک بیرون آورده شده توسط دیگران در کرت و جزایر نزدیک آن، نشان داد که



این نقاشی مربوط به سده نوزدهم میلادی، باستان‌شناس هاینریش شلیمان را در حال ترسیم طرح خرابه‌های واقع در تروا نشان می‌دهد. شلیمان ثابت کرد که اساطیر ممکن است بر واقعیت مبتنی باشند.

زمانی تمدنی باشکوه در آن ناحیه وجود داشته است. افسانه‌های کهن، هرچند اغراق‌آمیز شده و تغییر شکل یافته بودند، اما پایه در واقعیت داشتند. دانشمندان دریافتند که مینوسی‌ها نفوذ شدیدی بر میسنه‌ای‌های قاره‌ای اعمال کرده بودند و میسنه‌ای‌ها سرانجام کورت را مورد حمله قرار داده بودند، یعنی حقایقی که با رویدادهای موجود در اساطیر تقریباً مرتبط بودند. اونز و سایر پژوهشگران در فاصله فقط یک نسل فصلی جدید را در تاریخ یونان و غرب گشودند، فصلی که همچنان دارد نوشته می‌شود. شاید مناسب باشد که آن را فصل نخست بنامیم زیرا در آن نخستین فرهنگ‌های پیشرفته اروپا شرح داده می‌شوند.

سرزمین مینوتور^۱

مقدمه بر فصل نخست اروپا شامل اساطیر کهن درباره کورت بود، که معلوم شد دست‌کم پایه در واقعیت دارند. نخستین نویسنده‌ای که به کرتی‌های افسانه‌ای اشاره کرد هومر داستانگوی مشهور بود، که ممکن است طی سده هفتم ق.م زندگی کرده باشد. اشعار حماسی او، ایلیاد^۲ و اودیسه نخستین و هنوز در زمره بزرگ‌ترین نمونه‌های ادبیات غربی هستند. در ایلیاد، که به شلیمان قویاً الهام بخشید، رویدادی مهم در جنگ تروا شرح داده شده است؛ در اودیسه از ماجراهای اودیستوس^۳، یکی از شاهان یونانی که تروا را محاصره کرد، سخن گفته شده است؛ و هر دو افسانه چارچوبی غنی از اطلاعات درباره سرزمین‌ها و رهبران یونانی آن عصر که به نحوی مبهم به یاد آورده می‌شدند، فراهم کرده‌اند. یکی از این سرزمین‌ها، بر طبق گفته هومر، کورت، و یکی از رهبران آن‌جا مینوس شاه افسانه‌ای بود. در کتاب نوزدهم اودیسه، اودیستوس می‌گوید:

در دوردست در دریای آبی تیره جزیره‌ای به نام کورت قرار دارد، سرزمینی غنی و دوست‌داشتنی، تحت شستشوی امواج در هر سمت، با جمعیت انبوه و مغرور به داشتن نود شهر. هریک از اقوام جزیره زبان خاص خود را دارد. ابتدا، آخئی‌ها، و سپس کرتی‌های اصیل و مغرور به منشأ بومی خود وجود دارند... یکی از نود شهر، شهر بزرگ موسوم به کنوسوس است و در آن‌جا، به مدت نه سال، شاه مینوس فرمانروایی کرد و از دوستی زئوس قادر مطلق [رهبر خدایان مورد پرستش یونانیان سده‌های پنجم و چهارم ق.م] بهره‌مند شد.^(۴)

اونز و دانشمندانی که جانشین او شدند، از این نقل قول چه فهمیدند؟ ابتدا، آن‌ها نتوانستند

با اطمینان بگویند که آیا اصلاً شاهی به نام مینوس وجود داشته است، زیرا هیچ مدرک مستقیمی در مورد او یافت نشده بود. برخی تصور کردند که نام مینوس ممکن است لقبی سلطنتی یا شاید یک نام خانوادگی مورد کاربرد شماری از فرمانروایان کرت بوده باشد.

به هر حال، باستان‌شناسی نشان داده است که بخش عمده‌ای از بقیه نقل قول هومری حقیقتاً معتبر است. کنوسوس مهم‌ترین شهر از شهرهای پرشمار کرت بود، و جزیره در حقیقت جمعیتی انبوه داشت و از لحاظ اقتصادی پیشرفته بود. اشاره به اقوام و زبان‌های گوناگون نیز طینی حقیقی دارد. دانشمندان اکنون می‌دانند که آخئی‌های هومر، که او

دانشمندی مجذوب‌شده توسط کرت

جوان اونز^۱ خواهر آرتور اونز در کتاب خود دربارهٔ باستان‌شناس بزرگ انگلیسی و کار او (نوشته شده در ۱۹۴۳م، دو سال پس از درگذشت او) به نگارش در این مورد پرداخت که او چگونه، در سراسر دههٔ ۱۸۹۰م، علاقه‌ای فزاینده به کرت و این امکان که ممکن بود به وسیلهٔ حفاری در آن‌جا اطلاع تازه‌ای از یونان پیش از تاریخ آشکار شود، نشان داد.

منظرهٔ تازه‌ای داشت شروع به جلب توجه او می‌کرد: گفتن این‌که چه اتفاقی اول‌بار توجه او را به جزیرهٔ ناشناخته جلب کرده بود، دشوار است. چنین به نظر می‌رسد که هزار حقیقت و شیء کوچک مانند گرد و خاک جمع شده و فرونشسته بودند تا میزان تصمیم او را تشدید کنند. پیشینهٔ پدر او هنری^۲ [هاینریش] شلیمان به وسیلهٔ حفاری‌های او در تروا، میسنه، [و مکان‌های دیگر عصر مفرغ]، دنیای جدید درخشانی را آشکار ساخته بود. به‌خصوص در میسنه به نظر می‌رسید که اشیایی از تاریخ‌های متعدد، و مأخوذ از منابع گوناگون وجود دارند؛ و آن منابع غالباً ناشناخته بودند. شلیمان درصدد بود که «کنوسوس وسیع» [در شمال کرت] را مورد حفاری قرار دهد، اما هرگز این کار را نکرده بود. و در این زمان همان توجه آشکار داشت به ذهن آرتور اونز کشیده می‌شد. او در سوم فوریهٔ ۱۸۹۲ در رم بود، و با... باستان‌شناسی ایتالایی که قبلاً بسیاری از مکان‌های مربوط به سده‌های پنجم و چهارم ق.م در کرت را مورد کاوش قرار داده بود، دوست شد. آنچه این باستان‌شناس دربارهٔ بقایای کهن‌تر واقع در جزیره، که کاوش نشده و توضیح نیافته بودند، به اونز گفت، تخیل او را برانگیخت و علاقهٔ او را تشدید کرد، هرچند هدف او هنوز کاملاً شکل نگرفته بود.

1. Joan Evans

2. Henry

گفت که آن‌ها تروا را تسخیر و غارت کردند، یونانیان میسنه‌ای بوده‌اند، که همچنین بر کرت مسلط شدند و پس از آن بر اهالی بومی استیلا یافتند.

یک افسانه مفصل‌تر و مهم‌تر کرت اولیه مربوط به تزئوس قهرمان آتنی است. در این داستان، در هر نُه سال فرمانروایان کنوسوس فدی‌ه‌ای شامل چهارده مرد و زن جوان از آتن مطالبه و دریافت می‌کردند. اسرا به لایبرینت،^۱ بنایی عظیم به شکل مکان پریپیچ و خمی از اتاق‌ها و راهروها، برده می‌شدند. و در آن‌جا آن‌ها به قربانیان شوربخت مینوتور، جانور هولناکی توصیف شده به عنوان نیمه انسان و نیمه گاو نر، تبدیل می‌شدند. بنا به گفته پلوتارخ^۲ نویسنده یونانی سده نخست میلادی در اثر او، زندگی‌نامه تزئوس، «هنگامی که این مردان و زنان جوان به کرت می‌رسیدند، به لایبرینت انداخته می‌شدند و در آن‌جا توسط مینوتور کشته می‌شدند، یا این‌که در آن اطراف سرگردان می‌شدند و سرانجام هلاک می‌گردیدند زیرا نمی‌توانستند راه خروج را پیدا کنند.»^(۵) سرانجام، چنان‌که در اسطوره یادآوری شده است، تزئوس به کرت رفت، با کرتی‌ها جنگید، وارد لایبرینت شد، و مینوتور را کشت، و بدین وسیله به تهدید آتن از سوی حکومت کرت خاتمه داد.

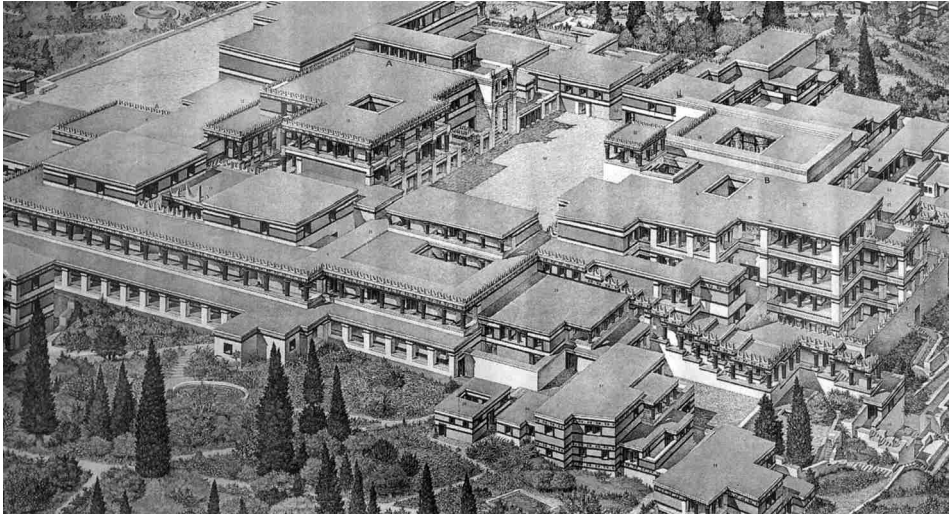
کنوسوس از زمین پدیدار می‌شود

این داستان معروف درباره لایبرینت، گاو نر - هیولایی که در آن ساکن بود، و پیروزی تزئوس بر جانور، افسانه‌ای محض باقی ماند تا این‌که آرتور اونز شروع به حفاری کاخ واقع در کنوسوس نمود. اونز که از یک خانواده ثروتمند انگلیسی بود، پیش از سفر گسترده در یونان و سایر بخش‌های ناحیه مدیترانه شرقی، در سمت رئیس موزه‌ای در آکسفورد^۳ خدمت می‌کرد. او در ابتدا عمدتاً به جمع‌آوری مصنوعات یونانی باستانی کوچک، به‌خصوص مهرهای جواهرمانند (حکاکی‌های کوچک مورد کاربرد برای گذاشتن اثرهایی در موم) علاقه‌مند بود که دارای تصاویر حکاکی شده مناظر دریا و صحنه‌های شکار بودند. آن‌ها در جزایر اژه‌ای به‌نحو نامعمولی پرشمار به نظر می‌رسیدند. به علاوه، اساطیر کهن که در آن‌ها درباره شهرهای ثروتمند بسیار در کرت باستان سخن گفته شده بود، اونز را به این عقیده سوق دادند که او ممکن است در آن جزیره مصنوعات فراوانی بیابد.

1. Labyrinth

2. Plutarch

3. Oxford



یک نقاشی آبرنگ تکمیل شده در ۱۹۳۵ م تصور سر آرتور اونز را از دوران شکوفایی مرکز کاخی کنوسوس، که او مورد حفاری قرار داد، نشان می‌دهد.

اونز طی اقامتش در کرت از تل وسیع کم‌ارتفاع کفالاً^۱ (نزدیک ساحل شمالی)، که مدتی طولانی به عنوان مکان سنتی کنوسوس باستان مورد ملاحظه قرار گرفته بود، دیدار کرد. آشکار بود (به دلیل دیوارها و سایر مصنوعات نمایان پراکنده) که در آن‌جا نوعی خرابه وسیع درست در زیر سطح قرار دارد؛ و او تصمیم گرفت تل را حفاری کند. مذاکرات پیچیده با مقامات محلی شش سال به طول انجامید تا این‌که او اجازه یافت که زمین روی آن مکان را بشکافد، رویدادی که در ۲۳ مارس ۱۹۰۰ اتفاق افتاد.

در بخشی وسیع به این علت که خاک و سایر نخاله‌های پوشاننده خرابه‌ها بسیار کم‌عمق بودند، کار به سرعت پیش رفت. اونز با مشتی دستیار آغاز کرد. ولی هنگامی که وسعت زیاد خرابه‌ها آشکار شد، او به سرعت کارکنانش را تا بیش از صد نفر افزایش داد. به تدریج، بقایای یک مجموعه کاخی باستانی دربرگیرنده بیش از سه جریب برای نخستین بار طی هزاران سال با روشنایی روز روبرو شدند. دانشمند مشهور ریچارد الیس^۲ این توصیف کلی عالی را از کشف اونز ارائه داده است:

خود کاخ محوطه‌ای شامل حدود ۲۲ هزار مترمربع (۲۶۳۱۲ یارد مربع) را دربر گرفته و از

1. Kephala

2. Richard Ellis

سنگ، چوب، و گل رس ساخته شده است. (سرانجام، نشان داده می‌شد که کاخ شامل بیش از هزار اتاق است.) طرح عبارت بود از خانه‌های سلطنتی چندین طبقه، انبارها، معابد، تالارهای بزرگ، پلکان‌های وسیع و جادار، اتاق‌ها و حیاط‌های به‌نحوی بی‌ترتیب اضافه شده به حیاط مرکزی، که حدود پنجاه یارد طول و نصف این میزان عرض دارد... فضاهای باز - حیاط‌های کوچکی که اجازه می‌دادند نور وارد محوطه‌های سقف‌دار شود - به اتاق‌ها متصل شده بودند. این به آن معنی بود که هیچ بخشی اصلاً در تاریکی قرار نداشت، و مهم نبود که نقشه تا چه حد پیچیده بود. کاخ در بالاترین ارتفاع، پنج طبقه بلندی داشت... طبقات فوقانی به وسیله ستون‌های چوبی نگاه داشته می‌شدند... [و] دیوارها با قلوه سنگ یا خشت ساخته می‌شدند، با تیرهای چوبی افقی استخوان‌بندی می‌شدند، و اندود می‌گردیدند.^(۶)

مقایسه افسانه‌ها با واقعیت

اونز و دانشمندان دیگری که بر این بقایای پدیدار شونده کاخ عظیم چشم دوختند، تحت تأثیر این امر قرار گرفتند که واقعیت این بخش از کرت پیش از تاریخ تا حد زیادی با جنبه‌های زیادی از افسانه‌ها منطبق است. گاوهای نر، از جمله مینوتور هیولاوار، نقش عمده‌ای در اساطیر کرتی ایفا کرده بودند. و اونز نقاشی‌ها، مجسمه‌ها، و نمودهای دیگری از گاوهای نر را در هر جا در خرابه‌های کنوسوس پیدا کرد. شاخ‌های سنگی بالارفته بزرگ، رأس دیوارها و ساختمان‌ها را تزئین می‌کردند، در حالی که یکی از مدخل‌های عمده رو به مجموعه کاخی دارای مجسمه نقش برجسته درخور توجهی از یک گاو نر است. اونز بعدها نوشت: «این به اندازه طبیعی، یا قدری بزرگ‌تر است، و به صورت نقش بسیار برجسته ساخته شده است.»

این باشکوه‌ترین یادبود هنر شکل‌پذیر میسنه‌ای است که به عصر ما رسیده است... سرشار از زندگی و روح. [اونز هنگامی که این متن را، نزدیک آغاز حفاری‌هایش، نوشت، هنوز تصور می‌کرد که سازندگان گاو نر میسنه‌ای‌ها بوده‌اند.] این مجسمه طبیعت‌گرایی و شکوه را به میزان زیادی در هم آمیخته است، و اغراق نیست اگر بگوییم که هیچ مجسمه‌ای از یک گاو نر که چنین قدرتمند و چنین واقعی باشد به وسیله هنر [یونانی] متأخرتر سده‌های پنجم و چهارم ق.م ایجاد نشده است... در این‌جا این جانوران [گاوهای نر] چه نقشی ایفا می‌کنند!... آیا یکی از این جانوران، [الهام برای] روایت گاو نر مینوس [در اساطیر] نبوده است؟^(۷)

ارتباط دیگر میان کاخ و افسانه‌ها، وسعت، پیچیدگی و کاربرد آشکار ساختمان به عنوان یک مسند عمده قدرت بود. صدها اتاق و راهروی ظاهراً به‌طور اتفاقی قرار گرفته بر روی سطوح متعدد، لابیرینت معروف در اسطوره تزئوس را به یاد می‌آورد. به‌علاوه، اتاق‌های

اونز مکان کنوسوس را توصیف می‌کند

آرتور اونز طی حفاری‌هایش در کنوسوس گزارش‌های منظمی از پیشرفت خود را برای انتشار در نشریه معتبر سالنامه مدرسه بریتانیایی در آتن^۱ می‌فرستاد. او در این بخش، که در شماره ۱۸۹۹-۱۹۰۰ م چاپ شد، مشخصه‌های مکانی را که در آنجا داشت شروع می‌کرد به از خاک بیرون آوردن یک کاخ عظیم عصر مفرغ، توصیف کرده است.

مکان کنوسوس باستان... در فاصله حدود چهار مایل از [ساحل] از سه سمت به وسیله تپه‌ها مسدود است. با وجود این، قدری به سمت جنوب... زمین به سمت یک تپه مدور معمولاً موسوم به کفالاً بالا رفته است... این تپه در ملتقای رودی فرعی قرار دارد... و قدری با شیب به طرف این آبراه‌های واقع در جنوب و شرق پایین می‌آید. در سمت غرب تپه... جاده‌ای کشیده شده است، که قدمت آن را قبرهایی صخره‌ای که در امتداد دنباله جاده پراکنده‌اند، نشان می‌دهند. این جاده بایست در همه اعصار تاریخ کرت، خطوط طبیعی دسترسی [به مکان‌های دورتر از ساحل] را تشکیل داده باشد... تپه کفالاً هرچند تحت اشراف ارتفاعات بلندتر آن سوی رودها و جاده قرار داشت، انزوای بخشی از آن، و این حقیقت که بر این خط طبیعی ارتباط، بلاواسطه مسلط بود، بایست آنجا را در ادوار اولیه تبدیل به مکانی دارای موضع کلیدی ساخته باشند.

و سیعاً تزیین شده تأیید می‌کردند که یک شاه یا رهبر قدرتمند دیگر - اگر نه خود مینوس، شخصی همانند او - در ساختمان سکونت داشته است.

با وجود این، به زودی برای اونز روشن شد که به اصطلاح کاخی که او داشت نمایان می‌ساخت، فقط یک اقامتگاه سلطنتی نبود. آنجا همچنین مرکز اداری اقتصاد محلی بود؛ و مدارک بعدی نشان داده که آنجا احتمالاً معبدی مرکزی نیز بوده است. به این دلیل، دانشمندان ساختمان کنوسوس را برای تشخیص آن از یک کاخ مسکونی محض، «مرکز کاخی» خواندند. (این اصطلاح بعدها برای ساختمان‌های مشابه از خاک بیرون آورده شده در نقاط دیگر در کرت نیز به کار رفت.)

وسعت و پیچیدگی آشکار کاخ در حال پدیدار شدن، و نیز موقعیت جغرافیایی آن،

1. *Annual of the British School at Athens*

به نظر می‌رسید که ادعاهای موجود در اساطیر دربارهٔ کنوسوس به عنوان مرکز یک پادشاهی پرجمعیت، نیرومند، و ثروتمند را تأیید می‌کنند. همهٔ این موارد مسلماً بایست به منظور تحمیل خواست کنوسوس بر اهالی خاک اصلی یونان، چنان که در داستان تزئوس ادعا شده است، بوده باشند. باستان‌شناسان این‌گونه معماری در مقیاس بزرگ را معماری «یادبودی» می‌دانند و خاطر نشان می‌کنند که دربارهٔ هر ملت یا قومی که این‌گونه معماری را به کار می‌گیرد می‌توان چیزهای زیادی استنتاج کرد. لوئیزا. هیچکاک باستان‌شناس دانشگاه کالیفرنیا، لوس آنجلس گفته است:

معماری یادبودی مهم است، از این جهت که حاکی از طرح‌ریزی، صنعتگران تمام وقت، و سازماندهی مواد و کار است. هریک از این عوامل دال بر سطح بالایی از پیچیدگی اجتماعی است که مستلزم مازاد زراعی، و نیز ظهور رتبه‌بندی و سلسله‌مراتب اجتماعی [نردبان‌های قدرت] است. ساختمان‌های یادبودی، به‌طور نمادین، دوام، قدرت، و مقام را نشان می‌دهند... همچنین موقعیت کاخ‌ها در داخل چشم‌انداز، درخور توجه است... تعیین جهت مکرر آن‌ها به سمت کوه‌های مقدس جایگاه معابد قله‌ای و یا غاری، با اعتقادات مذهبی تودهٔ مردم مرتبط بود، و مکان‌های ساحلی آن‌ها به بازرگانان دیدارکننده اعتبار می‌بخشیدند.^(۸)



مینوسی‌ها مقادیر زیادی مواد غذایی و کالاهای دیگر را در مراکز کاشی خود انبار می‌کردند. این یکی از محوطه‌های انباری از خاک بیرون آورده شده در کنوسوس توسط آرتور اونز است.

نشانه‌های زندگی شهری پیشرفته

این تصور که مینوسی‌ها، چنان‌که اونز سرانجام آن‌ها را چنین نامید، مدتی طولانی پیش از ظهور یونان سده‌های پنجم و چهارم ق.م، تمدن قدرتمند باشکوهی ایجاد کرده بودند، چنان‌که حفاران اونز میزان هرچه بیش‌تری از مرکز کاخی کنوسوس را آشکار کردند، به‌نحو فزاینده‌ای تأیید شد. ساختمان دارای محوطه‌های انباری بزرگ پرشمار برای غله، زیتون و روغن زیتون، انگور و شراب، و سایر خواربارها، و نیز سلاح‌ها و کالاهای دیگر بود. دانشمندان پذیرفته‌اند که میزان فراوان کالاهای انبارشده را صدها یا هزاران کارگر فراهم کرده‌اند که توسط شخصی که مرکز کاخی را اداره می‌کرد هماهنگ شده بودند. اونز کنجکاو بود که آیا این شخص قدرتمند در اتاقی به افراد اجازه حضور یافتن می‌داد که در نخستین سال حفاری از خاک بیرون آورده شد. اونز پذیرفت که آن‌جا نوعی اتاق ویژه تخت سلطنت بوده است، زیرا یک مسند سنگی تخت سلطنت‌مانند هنوز دست‌نخورده را در مقابل دیواری که در ابتدا پوشیده از نقاشی‌های جالب توجه بود، پیدا کرد. خواهر او، جوان اونز، بعدها توصیف او از اتاق را گزارش داد:

در سمت دیگر دیوار شمالی نیمکت کوتاهی، شبیه نیمکت اتاق بیرونی، قرار داشت، و سپس جدا شده با فاصله کمی از آن، یک مسند افتخار یا تخت سلطنت جدا وجود داشت که دارای پشتی بلندی بود... و تا قسمتی در گچ دیوار فرو رفته بود. تخت روی قاعده‌ای مربع شکل بالا رفته بود و گجبری عجیبی در زیر تزیینات برگ‌مانند داشت. (تقریباً گوتیک^۱)^(۹)

اونز و دستیارانش همچنین به علت یافتن بقایای نقاشی‌های پرشمار باشکوه دیواری (نقاشی‌های ترسیم شده روی گچ خیس) شگفت‌زده شدند. این آفریده‌ها، که شماری از آن‌ها رنگ‌های روشنشان را حفظ کرده‌اند، مینوسی‌ها را، مرد و زن، سرگرم فعالیت‌های گوناگون ترسیم کرده‌اند. بعضی از این فعالیت‌ها ظاهراً ماهیتاً مذهبی، و بقیه شاید دنیوی (غیرمذهبی) هستند. بسیاری از این نقاشی‌ها ازدحام‌های بزرگی از مردم سرگرم در اجتماعات عمومی، از جمله در حال تماشای رخدادهای ورزشی، را نشان می‌دهند.

نشانه‌های دیگر در مورد زندگی شهری و صنعتگران ماهر در کنوسوس عبارت بودند از بقایای وسایل پیچیده عمق‌یابی که جاری شدن آب و برداشت کافی آب مازاد را تدارک می‌دیدند. لوله‌های ساخته شده از سفال آب را از اتاقی به اتاق دیگر انتقال می‌دادند. این



خرابه‌های مرکز کاخی واقع در کاتو زاکرو، در شرق کرت، از خرابه‌های واقع در کنوسوس کم‌ابهت‌تر به نظر می‌رسند، که این امر تا حدی به این دلیل است که قسمتی از خرابه‌های واقع در کنوسوس بازسازی شده‌اند.

لوله‌ها در انتها باریک می‌شدند به طوری که می‌توانستند در انتهای لوله‌های دیگر فرو بروند. همچنین، آبگذرهای جداگانه ساخته شده در سنگ در زیر کف‌ها و حیاط‌ها کشیده شده بود. میتلند ادی نوشته است:

حتی مبال‌هایی وجود داشتند که نشانه‌های آن‌ها در آثار صندلی‌های روی آبگذرهای بزرگی که به بیرون از کاخ منتهی می‌شدند، حفظ شده‌اند. فضولات به وسیله ریختن آب در مجموعه پیچیده‌ای از آبگذرهایی که شامل لوله‌های گلی در قسمت‌هایی به دقت متصل شده به یکدیگر و جوی‌های سنگی برای بیرون بردن آب باران بودند، شسته می‌شدند. با وجود این، وان‌ها به لوله‌ها مرتبط نبودند. آن‌ها مخازن راحت بزرگی از گل لعاب‌دار بودند، که غالباً با تصاویر ماهی‌ها و دلفین‌ها به نحوی درخشان تزیین شده بودند. آن‌ها که فاقد منفذ خروجی بودند، ظاهراً هنگامی که استحمام‌کننده مشغول شستشو بود، توسط خدمتکاری با چمچه یا با اسفنج تخلیه می‌شدند، [و] آب کثیف به نزدیک‌ترین آبگذر ریخته [می‌شد].^(۱۰)

کاخ‌ها و شهرهای مینوسی دیگر آشکار شدند

معلوم شد که این آثار شگفت‌انگیز از خاک بیرون آورده شده توسط اونز، اگر اغراق نباشد،

فقط رأس کوه یخ کشف‌های باستان‌شناختی مینوسی بودند. طی ماه‌های کشف مرکز کاخی بزرگ در کنوسوس توسط او، دو اثر مشابه، هرچند کوچک‌تر، توسط باستان‌شناسان دیگر یافت شد. یکی در فائیستوس^۱ در ساحل جنوبی کرت، پدیدار شد؛ دیگری، که ممکن است اقامتگاهی تابستانی برای فرمانروایان فائیستوس بوده باشد، در هاگیا تریادا^۲ فقط در چند مایلی غرب فائیستوس، قرار دارد. (بعضی دانشمندان فکر می‌کنند که ساختمان هاگیا تریادا کوچک‌تر از آن است که به عنوان یک مرکز کاخی توصیف شود، بنابراین به آن به عنوان یک عمارت بزرگ اشاره می‌کنند.) در ۱۹۱۵ م یک مرکز کاخی چهارم در مالیا^۳ در ساحل شمالی در شرق کنوسوس کشف شد. و در ۱۹۶۱ م باستان‌شناس نیکولاس پلاتون^۴ شروع به حفاری مرکز کاخی کاتوزاکرو^۵ نمود، که تعداد نامعمولی ابزار و مصنوع شخصی به خوبی حفظ شده را به دست داده است. ادی چنین نوشته است:

کاتوزاکرو در منتهی‌الیه رأس شرقی کرت واقع است و به واسطه کوه‌های مرتفع از بقیه جزیره جدا شده است... [مرکز کاخی] دچار واقعه‌ای سریع و خشونت‌بار گردید که [آن‌جا را] به صورت خرابه‌ای سوخته باقی گذاشت. اهالی آن‌جا گریختند و هرگز بازنگشتند. در نتیجه حفاران محل در آن‌جا چیزهایی یافتند به وفوری که هیچ مکان دیگری به دست نداده است: ابزارها... اشیاء خانگی، لوازم آشپزخانه، خرده‌های غذا، همه از روز ویرانی، به نحوی بی ترتیب پراکنده و دست‌نخورده. (۱۱)

علاوه بر این مراکز کاخی عمده (و برخی مراکز کاخی کشف شده در زمان اخیرتر)، باستان‌شناسانی که طی سده بیستم میلادی به سراسر کرت سرازیر شدند، بقایای شماری از خانه‌ها و روستاهای مینوسی را یافتند. آن‌ها همچنین در جزایر نزدیک آن‌جا سکونتگاه‌های کوچک نشان‌دهنده معماری و مصنوعات مینوسی شکل را کشف کردند. در ۱۹۶۷ م باستان‌شناس یونانی اسپیرییدون ماریناتوس^۶ در جزیره کوچک سانتورینی^۷ (در ادوار باستان موسوم به ترا^۸) شهر بزرگی از این نوع را یافت. بعضی از این سکونتگاه‌های جزیره‌ای ممکن است مهاجرنشین‌های مینوسی تأسیس شده توسط فرمانروایان کنوسوس و سایر مراکز کاخی بوده باشند؛ ولی مدارک نشان می‌دهند که بسیاری از آن‌ها، فرهنگ‌های جزیره‌ای مستقلی بودند که لباس، رسوم اجتماعی، و سبک‌های هنری مینوسی را پذیرفتند. موقعیت

1. Phaistos

2. Hagia Triada

3. Mallia

4. Nicolas Platon

5. Kato Zakro

6. Spyridon Marinatos

7. Santorini

8. Thera

آن‌ها هرچه که بود، اونز و سایر دانشمندان آن‌ها را به عنوان نشانه‌هایی برای یک امپراتوری دریایی قدرتمند عصر مفرغ با مرکزیت کرت که بسیار شبیه چیزی بود که در اساطیر توصیف شده بود، در نظر گرفتند. نفوذ آن به خاک اصلی یونان نیز گسترش یافت، و در آن‌جا میسنه‌ای‌ها دست‌کم در سده شانزدهم ق.م رسوم و سبک‌های مینوسی را پذیرفتند.

تاریخگذاری تمدن اژه‌ای و مینوسی

به این ترتیب، چنان‌که بقایای یک تمدن عصر مفرغ در یونان و جزایر دریای اژه پدیدار شد، دانشمندان سه قلمرو فرهنگی اصلی را تشخیص دادند. فرهنگ موجود در هر قلمرو با فرهنگ‌های موجود در قلمروهای دیگر بسیار مشابه بود، و در عین حال همچنان بعضی تفاوت‌های محلی را حفظ کرده بود. این قلمروها عبارت بودند از: کرت، مرکز فرهنگ مینوسی؛ سایر جزایر جنوب دریای اژه، موسوم به سیکلاد، که تحت سلطه کرتی‌ها بودند یا دست‌کم توسط کرتی‌ها عمیقاً «مینوسی‌مآب» شده بودند؛ و بخش‌های ساحلی جنوبی قاره، که میسنه‌ای‌ها در آن‌جا استیلا داشتند. باستان‌شناسان به جهت سهولت، از سه شیوه جداگانه تاریخگذاری برای این قلمروهای فرهنگی در عصر مفرغ استفاده کردند. گاهشماری کرتی به نحو مناسبی مینوسی خوانده می‌شود؛ گاهشماری جزیره‌ای، سیکلادی خوانده می‌شود؛ گاهشماری قاره‌ای، هلادی نام گرفته است (اما همچنین گاه میسنه‌ای خوانده می‌شود). هریک از این گاهشماری‌ها باز به دوره‌های قدیم، میانه، و جدید تقسیم می‌شوند.

در نظر اونز و باستان‌شناسان دیگری که در کشف مکان‌های مینوسی پیشگام بودند، گاهشماری مینوسی مهم‌ترین شیوه تاریخگذاری است. چنان‌که توسط اونز تعیین شد (و بعدها توسط کارشناسان دیگر اصلاح شد، دوره مینوسی قدیم در حدود ۳۰۰۰ ق.م آغاز شد، و آغاز عصر مفرغ در کرت (و در بقیه ناحیه اژه‌ای) را مشخص کرد. اونز و سایر دانشمندان مدارکی یافتند مبنی بر این‌که مینوسی‌ها پیش از این زمان در کرت ساکن شدند. در حقیقت، به نظر می‌رسد که مینوسی‌ها از ۶۰۰۰ ق.م در آن‌جا بوده‌اند، و به وسیله شکار، گردآوری خوراک، و کشاورزی ابتدایی گذران می‌کردند. هیچ‌کس نمی‌داند که آن‌ها از کجا آمدند. ولی اجماع دانشمندان بر آن است که آن‌ها در ابتدا در قایق‌های کوچک از ساحل آسیای صغیر مهاجرت کردند.



دوره مینوسی قدیم خاتمه یافت و دوره مینوسی میانه در حدود ۲۲۰۰ ق.م یا کمی بعد آغاز شد. در این زمان در کرت افزایش سریع جمعیت، ظهور شهرهای بزرگ، تجارت توسعه یافته و ساخت کالاهای تجاری، و برپایی نخستین شکل‌های مراکز کاخی وجود داشت. این مراکز دوره‌هایی از آسیب به وسیله زلزله‌ها، و پس از آن بازسازی را در چند سده بعدی از سر گذراندند.

پایان دوره مینوسی میانه و آغاز دوره مینوسی جدید در حدود ۱۵۵۰ ق.م رخ داد. مینوسی‌ها در دوره پایانی خود، در انحطاط قرار داشتند، و طی بخش اعظم دوره مینوسی جدید، کنوسوس و بخش عمده بقیه کرت تحت سلطه میسنه‌ای‌های قاره‌ای بود. پایان دوره مینوسی جدید، و پایان خود تمدن مینوسی، بین ۱۲۰۰ و ۱۱۰۰ ق.م رخ داد، که در آن هنگام همه فرهنگ‌های اژه‌ای عصر مفرغ، به عللی که هنوز نامعلوم و تا حدی اسرارآمیزند، برای همیشه فرو ریختند و ناپدید شدند. (۱۲)

پرسش‌های پاسخ داده نشده درباره مینوسی‌ها و نابودی آنها تأکید می‌کنند که نکات بسیاری درباره آنها ناشناخته باقی مانده است. آنچه دانسته شده، طی جریان بیش از یک سده توسط صدها دانشمند و حفار سرهم‌بندی شده است. با وجود این، همه افراد دست‌اندرکار می‌دانستند (یا اکنون می‌دانند) که به آرتور اونز بسیار مدیونند. او به مدت سی و پنج سال فعالانه در کرت حفاری کرد، و اثر عظیم او کاخ مینوس در کنوسوس،^۱ که بین ۱۹۲۱ و ۱۹۳۶ م منتشر شد، کتاب مقدس بررسی‌های مینوسی باقی مانده است. باستان‌شناس آلکساندر فارنو^۲ گفته است «وسعت تعهد، گیج‌کننده است. این کار یک پیشگام است که شالوده تمامی باستان‌شناسی مینوسی آینده را گذاشت.»^(۱۳)

